

مبارزه با کرونا، الگوی مدیریتی کشور

در ایران با اینکه زمان آغاز آن زود بود و طبعاً امکانات و دانشی که برای مقابله با چنین میهمان ناخوانده‌ای مثل امریکا نبود، مدیریت مهار کردن ویروس کرونا قابل قبول و نسبت به بسیاری از کشورهای اروپایی و خود امریکا مسلط تر رفتار شد.

این در حالی است که مردم ایران مثل نسل زرد مطیع نیستند و مثل اروپا و امریکا هم چندان پایبند مسائل حقوقی نیستند. اما در عین حال یکی از خبرنگاران خارجی که با من صحبت می‌کرد گفت که ایران از ماجرای کرونا روسفید درآمد. مدیریت این ویروس کوچک که همه ایران را مورد تهدید بزرگی قرار داده بود، می‌تواند یک الگو برای مدیریت وحل مشکلات مردم باشد. در این اتفاق مهم‌ترین دلیل موفقیت همدلی و همکاری و مدیریت واحد به ریاست رئیس جمهوری بود. رودرروی صندلی میز ستاد مقابله با کرونا، که ریاست آن با رئیس جمهوری بود رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح نشسته. اعضای هیأت دولت که می‌توانند به مقابله با کرونا مرتبط باشند حضور دارند. مدیر حوزه علمیه قم برای همکاری مراکز اجتماعات دینی حضور می‌یابد وهمه اینها همفکری می‌کردند و راهنمای خود را علم و اصول پزشکی قرار دادند چند نکته مهم برای ملت روشن شد. ۱- می‌شود در این کشور فارغ از جناح بندی‌ها یا تعصبات بخشی همه باهم برای نجات و موفقیت مردم کار کنند.

معمولاً دولت و نهادهای دوست دارند بیش از آنکه به فکر مردم باشند، به فکر تابلوی کاری باشند که روی آن نوشته باشد چه کسی انجام دهنده آن است. از این بدتر اینکه کار سایر بخش‌ها مورد تخطئه و انتقاد قرار می‌گیرد. گاهی چنان به فعالیت‌های بخش‌های دیگر و بخصوص تیم مخالفان دولت فعلی کارهای دولت مورد انتقاد و فحاشی قرار می‌گرفت که به سختی می‌شد منبع آن را تشخیص داد که سازمان منافقین است یا تندروهای به ظاهر انقلابی داخلی.

مقابله با کرونا از معدود مسائلی بود که این گونه نشد و معلوم شد که می‌شود با همدلی به فکر حل مشکلات مردم و سلامت آنها بود. ۲- وقتی به طور مداوم همه نیروهای اداره کننده کشور چه دولتی، چه قضایی و چه نیروهای مسلح پشت یک میز و با یک هدف واحد مبارزه با کرونا جمع شدند، نه تنها معلوم شد که می‌شود همه باهم همکاری کنند که نتوانند همپوشانی خدماتی خوبی هم انجام دهند. وظایف تقسیم شد. کارهای به زمین مانده معلوم شد وهر نهادی توان خود را عرضه کرد و کلمات توان اجرایی و فرهنگی واجتماعی نظام در طول یکدیگر قرار گرفتند و به هم کمک کردند. معنای نظام سیاسی واحد و در خدمت مردم در همین جا بود. تعریفی که جاری است و نظام را در چند نهاد خلاصه می‌کنند، تعریف نادرستی است.

نظام هر کشوری مجموعه نهادهای قدرت است. اگر بخشی با بخشی درگیر باشند یعنی بخشی از نظام با بخش دیگر نظام درگیر است. نه اینکه مثلاً گفته شود فلان افراد در دولت یا خود دولت یا سران و سیاست‌های فلان دستگاه یا سیاست‌های نظام مخالف است. در ماجرای کرونا نظام به معنای واقعی‌اش به مدیریت پرداخت و موفق بود و صد البته حمایت رهبری راهگشای اصلی این موفقیت بود. در بسیاری از موارد بخشی از نظام با بخش‌های دیگر درگیر است. این یعنی مردم قربانی بی‌دلیل اختلافات بالا دستی‌ها هستند. مبارزه با کرونا را الگوی مدیریت کشور باید کرد.

سفر بی نظیر هیأت افغانستانی به ایران

مسأله اهری‌دی این واقعیت است که اکنون افغانستان عزم خود را برای مستحکم‌تر کردن رابطه با همسایه مقتدر غربی خود جزم کرده است. این امر نیز به نوبه خود متناظر انمناسبات داخلی است، زیرا اکنون بعد از شکل گیری گروه مصالحه در افغانستان به رهبری آقای عبدالله عبدالله و نیز با توجه به ضعف دولت مرکزی و نیز تمایل اندک گروه طالبان نسبت به آقای اشرف غنی، رئیس جمهوری این کشور، مجموعه این شرایط سبب شده است تا عبدالله عبدالله استحکام روابط با ایران را در دسترس کار خود قرار دهد. او در گذشته نیز چنین دیدگاهی نسبت به ایران داشته و می‌داند که اگر این کشور حمایت همسایه قوی خود را از دست بدهد، با چه مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد.

اگرچه دیدگاه در محمد اتمر، رئیس هیأت افغانستان نیز وجود دارد. این آقای اتمر یک پشتو است، اما پشتونی است که نگاه تکنوکراتیک به کشورهای همسایه از جمله ایران دارد. اتمر با توجه به سوابق گسترده خود در حاکمیت افغانستان، از جمله وزارت معارف، دبیری شورای امنیت ملی و امروز سرپرستی وزارت خارجه، بخوبی واقف است که ایران تنها کشوری است که می‌تواند منافع همه‌جانبه افغانستان را تضمین کند. بویژه اینکه امروز افغانستان در مرزهای جنوبی با کشور پاکستان دچار مشکلات عدیده‌ای است و در شمال نیز، کشور تاجیکستان از اقتداری برخوردار نیست که افغان‌ها بخواهند از آن بهره بگیرند. مجموعه این عوامل، به همراه مشترکات زبانی، فرهنگی، دینی و تاریخی افغانستان با ایران، باعث شده است مسئولان این کشور از جمله آقای اتمر به دنبال تحکیم روابط با همسایه غربی خود باشند.

در این میان برخی کشورها و رسانه‌های غربی تلاش دارند مسأله حادث شده برای افغان‌های مهاجر در هری‌رود را به ایران نسبت بدهند. اما واقعیت چنین این نیست که کشوری به عظمت جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند دست به کشتن افراد بیگناه بزند، هرچند ورود این عده به ایران غیرقانونی بود وبدلیل همین ورود غیرقانونی احتمال برخورد مرزبانی هم می‌تواند مطرح باشد، اما اقتدر مرزبانی ایران از درایت، تجربه وسع‌صدر کافی برخوردار است که دست به چنین اقدامی نزد. بنابراین، این مسأله و نسبت دادن آن به ایران، رویکردی تنگ‌نظرانه، جزمی‌نگرو حرفی کاملاً عبث است. باوجود این، باید مشخص شود که این مسأله از کجا شروع شده و به کجا خاتمه یافته و این قطعاً حق افغانستان است. از این‌رو با اطمینان می‌توان گفت آقای اتمر به ایران آمده است این مسأله را فیصله دهد تا این موضوع زمینه استفاده کشورهای دیگر را فراهم نکند.

اما این سفر، بویژه با توجه به ترکیب هیأت افغانستان و نیز برنامه‌ها و دستور کار هیأت، نشان می‌دهد که روشن کردن همه ابعاد و واقعیت ماجرا و فیصله دادن به اتفاق هرود تنها بعد این دیدارها نیست. آقای اتمر و دولت افغانستان، در تلاش هستند تا در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و نیز در ارتباط با نامنی‌هایی که در مرزهای دو کشور وجود دارد، با ایران به یک دستور‌کار وسیاست جدید برسند. زیرا مرزهای ما با افغانستان همیشه دچار مشکل بوده و به همین دلیل حراست از این مرزها همیشه حائز اهمیت ویژه بوده است. به همین دلیل بیش از ۹۰ درصد تفاهنامه همکاری جامع که طی ماه‌های آینده میان دو کشور امضا می‌شود، به مسائل امنیتی و مرزها بازمی‌گردد. اگر آقای اتمر مدت‌اند این مسأله را مدیریت کند، سایر مسائل با افغانستان هم حل شدنی است. زیرا امروز ناامن بودن مرزهای دو کشور به مسأله‌ای جدی تبدیل شده و این خود ناشی از ضعف دولت مرکزی در این کشور است. تا شکل گیری این اقتدار، طبیعی است که ایران نمی‌تواند اجازه دهد مرز دو کشور به محلی برای ورود و خروج آزادانه نیروهای مخرب تبدیل شود. زیرا همه آنان که از این مرزها تردد می‌کنند، از برادران افاغنه خوب ما نیستند. به‌طور کلی، با توجه به مباحثی که درون افغانستان در جریان است و نیز فشار کشورهای غربی به مقام‌های این کشور باعث شده است افغانستان به این واقعیت واقف شود که نباید حسن همجواری و گسترش مناسبات با همسایه غربی خود را فراموش کند.

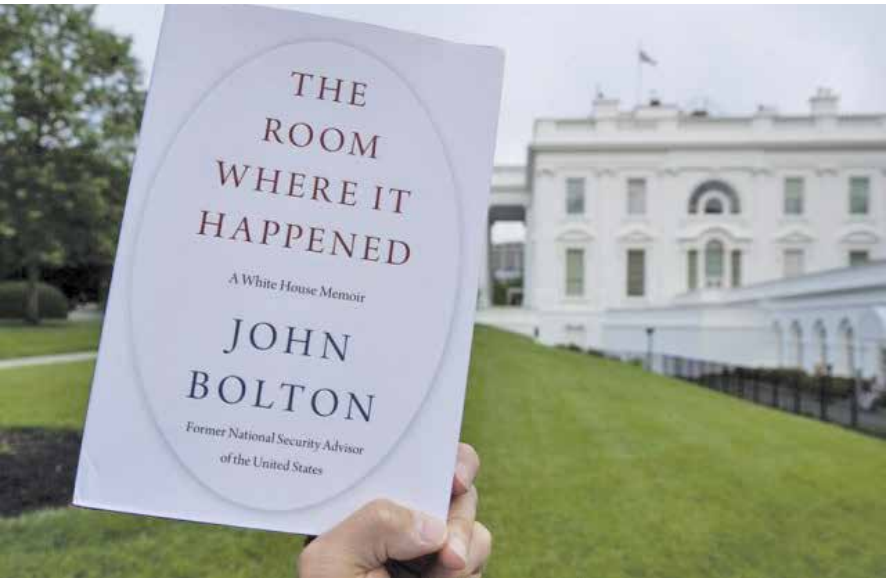
- سه‌شنبه ۳ تیر ۱۳۹۹**
- سال بیست و ششم**
- شماره ۷۳۷۵**

اعترافات بولتون

برجام ایران را قوی‌تر کرد

گروه‌سیاسی/ «ایران به واسطه برجام به کشوری قوی‌تر تبدیل شد و توان نظامی و امنیتی آن غنی‌تر شد.» شاید این مهم‌ترین گزاره کتاب جدید جان بولتون، مقام اخراجی دولت دونالد ترامپ باشد که تحت عنوان «در آن اتاق اتفاق افتاد» بارها به آن اشاره شده است. «بولتون» یک سیاستمدار دست راستی آمریکایی است که نام او بیشتر به واسطه یک عمر تلاش برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های کشورش و بهره‌برداری از حضور در قدرت برای اقدام علیه ایران بر زبان‌ها افتاده است.
خاصه وقتی که او از مارس ۲۰۱۸ به عنوان مشاور امنیت ملی وارد کابینه پرتلاطم ترامپ شد، کوشید چشم و گوش رئیس جمهوری امریکا در سیاست خارجی و امنیت ملی باشد. اما وقتی او به سرنوشتی مشابه بسیاری از نزدیکان ترامپ در قدرت مبتلا شد و کنار رفت تصمیم به نگارش و انتشار کتابی گرفت که در مرحله قبل از انتشار با حاشیه‌های زیاد همراه و محتوای آن نیز با تفسیر و تعبیرهای گوناگون روبه‌رو شد. قابل انتظار بود که نام ایران در کتاب «بولتون» که به واسطه نگاه جنجالی و جنگ طلبانه‌اش علیه ایران به شهرت رسیده است، بیش از هر نام دیگری به چشم بخورد. چه در این کتاب که مشتمل بر ۵۷۰ صفحه و ۱۵ فصل است، ۷۵۵ بار نام ایران، ۲۸ بار نام رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۲۶ بار نام «حسن روحانی» رئیس جمهوری ایران و ۴۳ بار از «محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران اسم برده شده است.
اشارات بولتون بی‌نزدید دوجوه مهم از سیاست‌هایی را به تصویر می‌کشد که از طرف جریان‌های قدرت ضد ایرانی و از سوی دیگر مخالفان داخلی حسیه سیاست مسالمت‌آمیز دولت حسن روحانی طراحی شده است. کسانی که به دولت باراک اوباما ناختند؛ چرا در ازای «هیج» پول زیادی را روانه ایران کرد و در داخل ایران هم عده‌ای روحانی را زیر ضرب این گزاره دولت حسن روحانی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را متوقف کرده است. در حقیقت روایت بولتون دو نکته اساسی درون خود دارد یک اعتراف او به عنوان یکی از

- http://irannewspaper.ir**
- editorial@irannewspaper.ir**



می‌گفتند چرا زیاد دادید و کم گرفتید و دلواپسانی فارسی زبان که به ایرانی‌ها می‌گفتند چرا کم گرفتید و زیاد دادید. هر دو طرف به ظاهر بسیار بیشتر می‌خواستند ولی در عمل هر دو بسیار کمتر به دست آوردند.»

اگرچه ایران کوشید با مدیریت برخی از تحولات از جمله خروج یکجانبه امریکا از برجام، تشدید تحریم و عمیق‌تر شدن رابطه با امریکا از تشدید این مشکلات جلوگیری کند، اما در این میان، تقارن ورود بولتون به کابینه ترامپ و محمد بن سلمان در عربستان، در کنار دولت نتانیاهو در اسرائیل ومواجهه تقابلی «بن زاید»، حاکم ایران و متشکیل گروهی منجر شد که یکی از مهم‌ترین اهدافش جنگ نظامی علیه ایران و محدود کردن نقش آفرینی منطقه‌ای آن بود. گروهی که بیشتر محمدجواد ظریف در اشاره به آن گفته بود برخلاف میل ترامپ به دنبال درگیر کردن امریکا با ایران است. بولتون در کتاب خود به صراحت اعلام می‌کند که سیاست‌های جنگ افزوزانه او تا چه میزان با پشتیبانی اعضای این گروه همراه بوده است. آنجایی که به ماجرای میانجیگری «آبه شینزو» میان ایران وامریکا اشاره می‌کند از ناراضیاتی «بن زاید»، حاکم امارات (متحد وقت

از نظر او تصمیم ترامپ برای ارسال ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن با هدف تهدید نظامی ایران، اقدام بهتری بوده است.

بولتون در حالی به صراحت از ناراضیاتی جریان‌های پنهان قدرت در امریکا وهیمنانان این کشور با برجام سخن گفته است که بال دیگر این جریان ضد ایرانی، گروه‌های مخالف در ایران و گروه دلواپسانی بود که پس از برجام یکباره همه دستاوردهای آن را به طرفه‌العینی کتمان و آن را دستخوش تحریف و دگردیسی کردند و دولت را به واسطه این توافق در سیل حملات دامنه‌دار خود قرار دادند. توافقی که به باور اغلب صاحبنظران به رفع تعریف‌ها وبازگشت منابع مالی به کشور منتهی شد و در صورت مواجه نشدن با کار شکنی مخالفان می‌توانست کلید گشایش در زندگی همه افشار و سطوح جامعه باشد.

اما تندر‌وهای داخلی به سیاق خارجی‌ها چنین نتیجه گرفتند که اگر دولت روحانی این مرحله سخت را با موفقیت پشت سر بگذارد، آنگاه احتمال قدرت‌یابی سر بگذارد، به امری برگشت‌ناپذیر تبدیل خواهد شد. با به تعبیر حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس جمهوری قربانی زاید خواهی‌های دوسویه شد: «دلواپسانی عرب زبان وعبری زبان که به امریکایی‌ها

حضور خود در کابینه ترامپ روزهای مصونیت تهران را تمام شده دانست و تلاش برای آغاز جنگ نظامی علیه آن را به عنوان مأموریتی مهارناپذیر در دستور کار قرار داد. او در کتاب خود، جنگ با ایران را جرقه‌ای برای تغییر نظام می‌دانست بی‌آنکه ویرانگری ناشی از آن را به حساب بیاورد. از این‌رو بر پیشنهاداتی که با هدف میانجیگری میان تهران و واشنگتن مطرح می‌شد، تیری زهرآین و بود که به سوی اهداف جنگ‌طلبانه او روانه می‌شد. چنان‌که در کتاب به ماجرای سفر «آبه شینزو»، نخست وزیر ژاپن به تهران اشاره می‌کند که با سودای میانجیگری میان ایران وامریکا در دستور کار قرار گرفته بود. بولتون در این باره می‌گوید: «نخست وزیر ژاپن به سفر به ایران در اواسط ژوئن و قبل از نشست جی ۲۰ در اوکا فاکت می‌کرد. زمانی که من در تدارک سفر ترامپ و دیدارش با امپراطور ژاپن، در سفر به توکیو، با آبه دیدار کردم، او گفت اگر ترامپ بخواهد به ایران سفر کند، این سفر مفید خواهد بود. من قطعاً نمی‌توانستم با دیدارهای فکرمی‌کنم کل این ابتکار، یک ایده وحشتناک است.» بولتون در حقیقت مخالفت خود با سفر نخست وزیر ژاپن به ایران را به رخ می‌کشد و می‌گوید که

هیأت افغانستانی دیدارهای فشرده‌ای با مقامات ایرانی داشتند

توافق دو همسایه برای امنیت مرزی

گروه‌سیاسی/ روابط راهبردی ایران و افغانستان خدشه ناپذیر است؛ این پیام نتیجه و چکیده دیدارهایی است که سرپرست وزارت خارجه جمهوری اسلامی افغانستان با مقامات کشورمان داشت.

«محمد حنیف اتمر» در رأس هیأت بلندپایه سیاسی، اقتصادی و امنیتی در مقطعی به تهران سفر کرد که بسیاری تصور می‌کردند دو حادثه ناگوار برای اتباع افغانستان در جریان سفرشان به ایران و شایعه‌پردازی‌های انجام شده پیرامون آن می‌تواند مبنایی برای بروز تنش و دوری میان دو کشور باشد.

وزارت خارجه افغانستان اما اعلام کرده بود که هدف از این سفر نه فقط پرداختن به آن رویه‌دادهای ناگوار و جست‌وجوی راه‌حل برای جلوگیری از تکرار آن که تلاش برای تقویت وتوسعه همکاری‌های همه‌جانبه و مذاکرات پیرامون سند همکاری‌های جامع بین دو کشور است. سند جامعی که پس از ۵ سال کار گراشناسی قرار است ظرف ۳ ماه آینده مصوب و اجرایی شود.

سرپرست وزارت خارجه افغانستان که در روز نخست سفرش با وزیر امور خارجه و دبیر شورای عالی کشورمان مذاکره داشت روز گذشته با عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور نیز دیدار و گفت‌وگو کرد.

به گزارش ایرنا، وزیر کشورمان درباره این گفت‌وگو با اشاره به مذاکره دوطرف در جهت افزایش همکاری‌ها وتقویت رابطه ایران و افغانستان، افزود: یکی از مباحث، موضوعات مرزی و آنچه در مناطق مرزی اتفاق می‌افتد بود که در این زمینه با یکدیگر موافقتنامه امنیتی داریم و مقرر شد کمیسران مردم مشترک مرزی و کمیساریای مرزی را به صورت مستمر و در زمانبندی‌های مشخص بگذاریم و مسائل مان را آنجا مطرح کنیم. چاره‌جویی برای مشکلات ایجاد شده در مسیر تردد شهروندان



تدابیر لازم برای جلوگیری از تردد غیر قانونی در مرزها

وزیر امور خارجه ایران و سرپرست وزارت خارجه افغانستان در بیانیه‌ای کمیته‌های امنیتی - سرحدی را موظف کردند در راستای تأمین امنیت سرحد دو کشور و برای جلوگیری از تردد غیرقانونی و قاچاق انسان و کالا تدابیر لازم را اتخاذ کنند. به گزارش ایرنا، در جریان ملاقات‌های محمد حنیف اتمر با مقام‌های کشورمان طرفین در قالب هشت کمیته‌کاری شامل کمیته‌های سند جامع،قانونمندسازی اقامت اتباع، همکاری‌های مرزی، کار، آب، همکاری‌های فرهنگی، انرژی و صحت بهداشت در مورد توسعه و گسترش مناسبات دو کشور در ابعاد مختلف بحث و تبادل نظر کردند. در بخشی از بیانیه مشترک ۱۵ بندی دو کشور در پایان این مذاکرات دو روزه آمده است:جمهوری اسلامی ایران ضمن استقبال از روند صلح با مالکیت کرد رهبری دولت و مردم افغانستان، اعلام آمادگی کرد تا در صورت درخواست جمهوری اسلامی افغانستان، ظرفیت وامکانات خود را برای تسهیل روند مذاکرات بین‌افغانی ومیزبانی از این مذاکرات به کارگیرد. در این بیانیه با اشاره به بحث وتبادل نظر درباره جزئیات مرزهای مشترک با مالکیت کرد افغانستان، طرفین درخصوص همکاری‌های اقتصادی-بازرگانی منطقه‌ای و چندجانبه از جمله در حوزه ترانزیت وحمل‌ونقل نیز توافق کرده و نقش بندر چابهار به عنوان موتور محرک همکاری‌های تجاری-اقتصادی، ترانزیت، سیاسی و مرزی را

خارجه کشورمان دیدار داشت در صفحه توییتر خود در باره محتوای این دیدار نوشت: «گفت‌وگوی سازنده با عراقچی درباره توافقنامه همکاری جامع که امور اقتصادی، ترانزیت، سیاسی و مرزی را

اقداماتی را انجام دهیم که به خیر و صلاح هر دو ملت باشد. «میرویس ناب» معاون وزیر امور خارجه افغانستان نیز که دیروز با عباس عراقچی معاون سیاسی وزارت امور

اتباع افغانستانی داشته ادامه یابد و قلباً از این موضوع تشکر می‌کنیم. او افزود:

البته برای ما مهم است که عملاً مسأله تردد قانونی وزمینسازی برای کار و کارکرد افغان در ایران به صورت قانونی

شامل می‌شود، داشتیم. قانونی کردن وضعیت افغان‌ها در ایران اولویت اصلی ما است. همچنین از ایران به خاطر حمایت از جمهوری اسلامی افغانستان در جریان تلاش‌های صلح سیاسگزاریم.»

■ **واکنش وزارت امور خارجه به تلاش برای تضعیف رابطه تهران – کابل**

وزارت خارجه کشورمان نیز روز گذشته به تحریکات خارجی برای تضعیف رابطه ایران و افغانستان واکنش نشان داد و در پاسخ به توییت یک دستیار وزارت امور خارجه امریکا که

با اتکاب به حوادث ناگوار رخ داده طی دو ماه گذشته این شهروندان افغانستان و داستان پردازی‌های رسانه‌ای درباره آن حوادث ایران را به نقض حقوق پناهجویان متهم کرده بود، با یادآوری اقدامات ضد مهاجرتی دولت ترامپ و از جمله اقدام ضد انسانی جدا کردن کودکان مهاجر از والدین‌شان نوشت: «ولنتی دارد از حقوق پناهجویان حرف می‌زند که شعار انتخاباتی‌اش «بیوار بکشیم» بوده و بارها به دلیل سیاست‌های بی‌رحمانه سرزی‌اش با محکومیت عمومی روبه‌رو شده.»

وزارت امور خارجه کشورمان با تأکید بر اینکه «ایران و افغانستان به عنوان دو ملت برابر، روابط مستحکم وریشه‌داری دارند که بر پیوندهای تاریخی و فرهنگی بنا شده است وتحریکات خارجی که اهدافی شوم دارند، هرگز نمی‌توانند این رابطه نزدیک را تضعیف کنند»، یادآور شد: «ایران، برای چندین دهه میزبان پناهجویان افغانستانی بوده که از جنگ ودرگیری‌هایی فرار کرده‌اند که به واسطه مدخله و تهاجم ایالات متحده ایجاد شده است. ما همچنان به پشتیبانی از برادران و خواهران افغانستانی خود در دوران دشواری‌های آنها ادامه خواهیم داد و بار دیگر ایالات متحده را به پایان دادن به حضور بی‌ثبات کننده‌اش در منطقه، فرا می‌خوانیم.»